



نسخه پهلوی ام. ک. (۱۳۲۱ میلادی)

تورج دریایی*

(لس آنجلس)

اکثر متون بازمانده به زبان فارسی میانه عمدتاً مباحث مذهبی زرتشتی را دربرمی‌گیرند. دلیل آن این است که در طول زمان آنچه برای موبدان حائز اهمیت بوده زنده داشتن باورها و اعتقادات و تشریفات مذهبی برای هم‌دینان خود بوده و برای همین دیگر مباحث مانند تاریخ، فلسفه و ادبیات داستانی کمتر مد نظر قرار گرفته است. با این همه ما هنوز متون فارسی میانه‌ای در دست داریم که به مسائل فرهنگی و غیره نیز می‌پردازد. در این میان نسخه خطی که شامل اکثر متون فرهنگی می‌شود ام. ک. نام دارد و مشتمل بر ۳۱ متن کوتاه و بلند اندرزی، تاریخی، جغرافیایی و حماسی است. نسخه ام. ک. متعلق به دستور جاماسپ منوچهر آسانا بود که در سال ۱۸۹۷م قسمت اول آن را به چاپ رسانید. پس از مرگ او بهرام گور تهمورث انکلساریا (Anklesaria) بقیه آن را در سال ۱۹۱۳م در بمبئی به چاپ رساند.^۱

این نسخه ام. ک. که در گذشته نسخه جی (J) نیز خوانده می‌شد، ناقص و افتادگی‌های فراوانی دارد. هر صفحه نسخه در بردارنده ۱۴ تا ۲۲ خط است. نام کاتب نسخه ام. ک. مهرآبان کی خسرو است که ایرانی بوده و برای کمک به هم‌دینان خود به هند سفر کرده است. به گفته انکلساریا نسخه ام. ک. ۱۶۳ برگ^۲ و دانشمند اروپایی وست (West)، ۱۴۲ برگ^۳ داشته که اکنون تعدادی از این برگ‌ها گم شده. مهرآبان کی خسرو نسخه ام. ک. را از نسخه دیگر نوشته مؤبد دین پناه آذرباد دین پناه استنساخ کرده که در آتشکده بروچ وجود داشته. انجامه (Colophon) اول تاریخ ندارد، اما در انجامه دوم چنین نوشته شده است:

ēn āyādgārīhā nibištāg būd ēstād pad māh wahman ī andar sāl 324
ēn rōz dēn pad adūr dagr zīwād dēn-panāh ī adūrbā(d) ī dēn-panāh
az bahr ī dagr zīwād šāzād ī šāzādān farroxw ohrmazd ra kē-šān

این یادگازها نوشته شده در ماه بهمن، در سال ۳۲۴، در این روز دین در آذر،
دیرزیواد دین پناه آذرباد دین پناه از بهر دیرزیواد شاه زاده شاه زادان فرخ هرمز
را که روانش بسیار انوشه باد، در بروچ بود در آتشکده.

وست سال ذکر شده را **سیدکلس** ۶۲۴ خوانده که درست نیست و به جای آن سال ۳۲۴ یزدگردی صحیح است. این سال برابر با سال ۹۵۶م است که با تاریخ تدوین بسیاری دیگر از متون فارسی میانه همزمان است. خود مهرآبان کی خسرو نیز در انجامه، تاریخ نسخه ام. ک. را ۱۳۲۱م نوشته است. از برگ ۱ تا ۱۱۰ نسخه ام. ک. سالم است، ولی پس از آن بیشتر صفحات پاره بوده. اما همان صفحات پاره نیز در تصحیح این متون به ماسخت یاری می‌رساند. از زمان چاپ ام. ک. تا سال گذشته گمان می‌رفت که این نسخه مفقود شده، اما به تازگی این نسخه پیدا شده

* دکترای تاریخ باستان؛ استاد دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، فولرین.

این مقاله مدیون خانم دکتر A. Hintze می‌باشد که تعدادی از برگ‌های نسخه ام. ک. را در اختیار بنده گذاشت و اجازه چاپ آن را به بنده داد.

¹ J. M. Jamasp-Asana, *The Pahlavi Texts Contained in the Codex MK copied in 1322 A. C. by the Scribe Mehr-Āwān Kai-khūsrū*, with an Introduction by B. T. Anklesaria, vol. II, Fort Printing Press, Bombay, 1913.

² Ibid, p. 1.

³ E. W. West, "Pahlavi Literature", *Grundriss der Iranischen Philologie*, II/ 2, p. 111.



و در آینده نزدیک چاپ عکسی آن به‌کوشش آلموت هینتزه (A. Hintze) و دستور جاماسپ آسانا در برلین به چاپ خواهد رسید. در این مقاله کوتاه قصد داریم که اهمیت نسخهٔ ام. ک. حتی برگ‌های پاره شده را برای تصحیح متون پهلوی نشان دهیم. جای دارد در اینجا برای این کار یکی از متون پهلوی که در این مجموعه دیده می‌شود و سور سخن نام دارد را بررسی کنیم.

سور سخن متنی است پهلوی که در واقع خطابه‌ای است که در دربار ساسانی در جمع نزدیکان شاهنشاه، پیش از خوردن و پس از آن ایراد می‌شود. ستایش اهورمزد، امشاسپندان سپس شاهنشاه و درباریان قسمت اعظم متن را در بر می‌گیرد. در همان آغاز این متن نکته جالبی به چشم می‌خورد، نخست دنیای مینوی که جایگاه اهورمزد و امشاسپندان، است ستایش شده و بلافاصله همانند آن در جهان گیتی شاهنشاه و درباریان مورد ستایش قرار گرفته‌اند.

در پایان از میزبان که این سور را برگزار کرده تجلیل به عمل آمده و پابندگی ایرانیان شهر و مردم آن و حاکم آن آرزو شده است. در بیزانس یا روم شرقی نیز کتابی همانند سور سخن نام دارد و نوشته فلیتوس (Philotheos) در قرن نهم میلادی داریم که نام یونانی آن (Kletorológion) است.

متن پهلوی سور سخن تاکنون سه بار ترجمه شده. نخست جهانگیر تاوادی^۴ ترجمه‌ای به انگلیسی ارائه داده که متعلق به هفتاد سال پیش است. سپس سعید عریان^۵ ترجمه‌ای به فارسی از آن متن به دست داده که کماکان همانند تاوادی است، و سرانجام کتابیون مزدپور^۶ بهترین و جدیدترین ترجمه را از متن به چاپ رسانده که بسیاری از ابهامات و مشکلات سور سخن را حل کرده است. نگارنده نیز ترجمه‌ای جدید از این متن ارائه کرده که در کتابی دربارهٔ تاریخ اداری ساسانی به‌زودی در فرانسه به چاپ خواهد رسید.^۷ در زیر با نگاه به نسخهٔ ام. ک. نشان می‌دهیم که چگونه ضبط‌های ریز نسخه در حل پاره‌ای مشکلات متن کمک می‌رساند.

بند ۵:

haftom pad rōšn garōdmān ī was rōšnīh ī hu-čīhr
brāzagtom 𐭮𐭲𐭮𐭲𐭮𐭲 𐭮𐭲𐭮𐭲𐭮𐭲 ī purr-nēkīh

تاوادی و پس از او عریان کلمه مورد نظر را «پرفه» (Purr-xwarrah) خوانده، حال آنکه نسخهٔ ام. ک. به وضوح 𐭮𐭲𐭮𐭲𐭮𐭲 «پراز خوبی» (Purr-hūih*) یا «بسیار خوب» را دارد که ضبط بهتری است. با این ضبط این جمله را می‌توان به این صورت خواند:

«هفتم در گرزمان بسیار روشن خوب چهر بسیار درخشان پراز خوبی پراز نیکی».

بند ۷:

hamāg zōhr mihr ī frāx-gōyōd ud srōš ī tagīg ud rašn ī rāstag
ud wahrām ī amāwand ud wāy ī weh ud wēh-dēn ī māzdēsnañ
ud aštād 𐭮𐭲𐭮𐭲𐭮𐭲 gēhān ud frawahr ī ahlawān

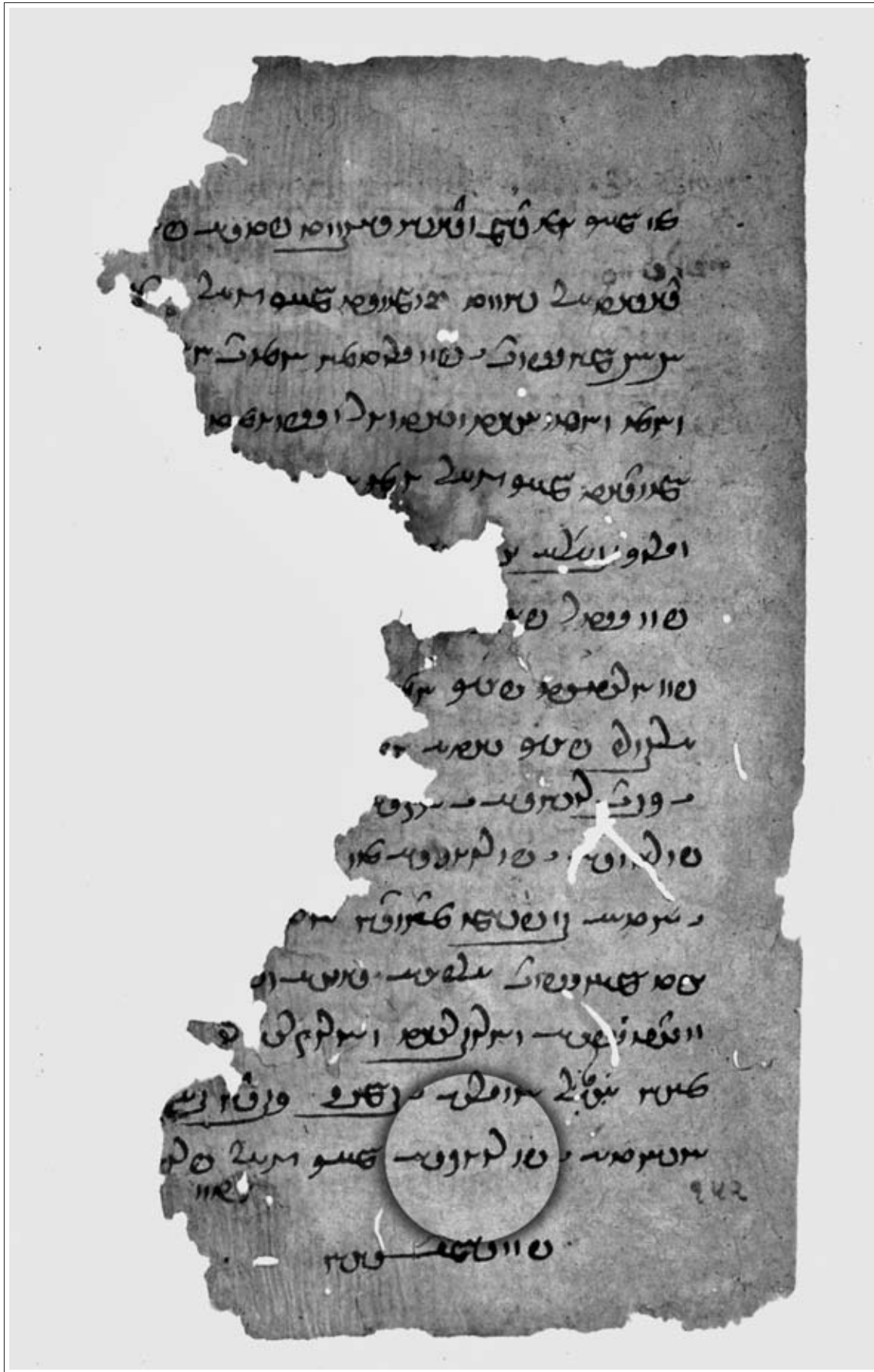
کلمه مورد نظر را تاوادی به‌درستی خوانده، حال آنکه عریان آن را با کلمه بعد یعنی «جهان» (gēhān)*

^۴ J. C. Tavadia, "Sur Saxvan or A Dinner Speech in Middle Persian", *Journal of the K. R. Cama Oriental Institute*, 1935, pp. 1-99

^۵ سعید عریان، متون پهلوی (تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱)، ترجمه صص ۱۸۶-۱۸۹ و آوانویسی صص ۳۷۸-۳۸۲.

^۶ کتابیون مزدپور، «سور سخن» فرهنگ، س ۱۷، ش ۳-۴ (پاییز و زمستان ۱۳۸۳)، پیاپی ۵۱-۵۲: ۱۰۳-۱۳۰.

^۷ T. Daryaei, "The Middle Persian Text Sūr ī Saxvan and the Late Sasanian Court", *Contributions à l'histoire et la géographie historique de l'empire sassanide*, ed. R. Gyselen, *Res Orientales XVI*, 2007.



ت ۱: نسخه ام. ک.، ص ۲۲۶.



به صورت «فزاینده جهان» (frāz-dādār gēhān) خوانده. اما در نسخهٔ ام. ک. کاملاً مشخص است که کلمهٔ **دزدوار** ضبط شده و خبری از frāz-dādār نیست. همین‌طور باید ذکر کرد که لقب «اشتاد» در اوستا «افزونی» یا «پیش برنده» (frādat. gāēgā) معنی می‌دهد.

پس این سطر را چنین باید خواند:

«هم‌زور مهر دارنده دشت‌های فراخ و سروش تکاور و رشن راست و بهرام نیرومند و وای به و دین به مزدیسنا و اشتاد افزونی / پیش برنده جهان و فروهر پارسایان».

بند ۱۳:

hamāg zōhr **دزدوار** dādwarān **دزدوار**

تاوادیای کلمه «دادور» را پس از کلمه «شهر»* افزوده که لازم نیست، و عریان نیز آنرا «دادور» خوانده. مزداپور آنرا به صورت «داد» قرائت کرده، اما در پی نوشت احتمال می‌دهد که بتوان آنرا «شهر دادوران» خواند. ولی در نسخهٔ ام. ک. آشکارا «شهر» ضبط شده است و نه «دادور». در قرن سوم میلادی لقب «کرتیر» نیز «دادور همه شهر (شاهنشاهی)» بود که شبیه این لقب است که دقیقاً در متن سریانی مارگردق نیز ضبط شده است. پس باید این جمله را به این صورت خواند:

«هم‌زور دادور شهر (یا شهر دادوران)»

بند ۲۰:

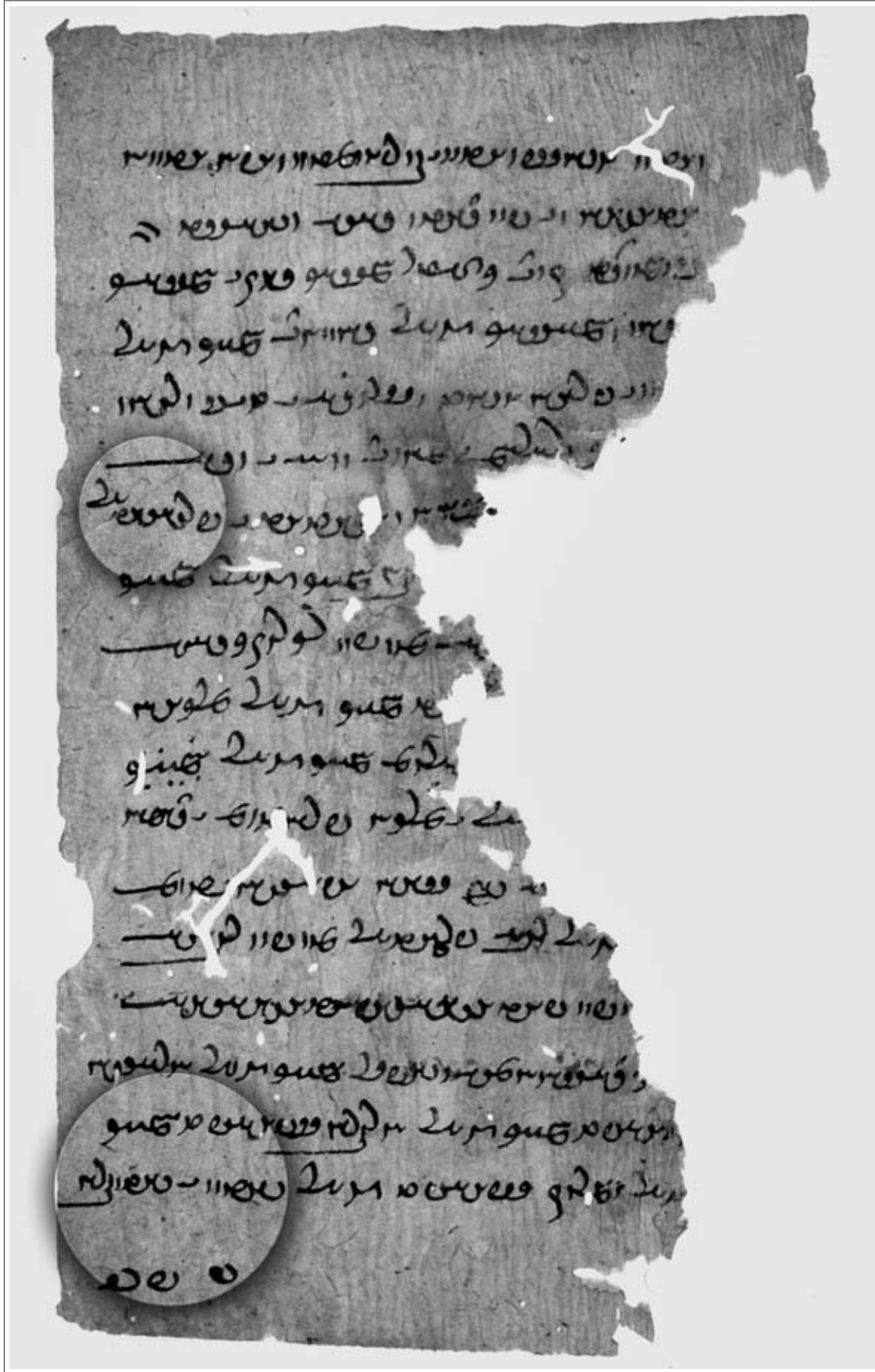
čē man har čē farroxīhātar čē man **سده اردو** may

تاوادیای کلمات مورد نظر را به صورت «آرد و شیر» (ārd ud jīwag) خوانده و مزداپور از آن قرائت پیروی کرده است. عریان کلمهٔ اول را به صورت «آرد»، و کلمهٔ بعدی را مجهول دانسته. با نگاهی دقیق به نسخهٔ ام. ک. می‌توان گفت که دو کلمه را به صورت **سده اردو** به معنی «رها بخاطر» (harzag*wasnād)* قرائت کرد.

پس می‌توان جمله بالا را این چنین خواند:

«چه من هر چه بیش به فرخی، چه من رها شدم بخاطر

می که خورده‌ام، خوب خواهم خوابید و ایزدان را در خواب خواهم دید».



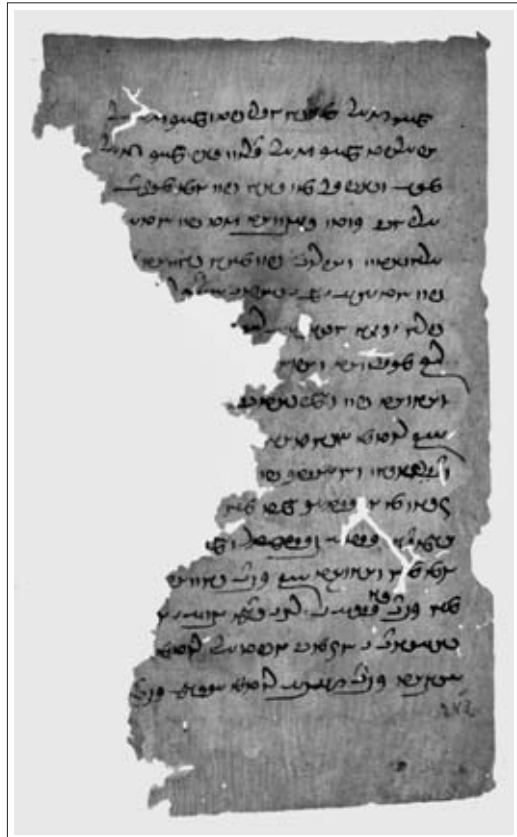
ت ۲: نسخه ام. ک. ص ۲۲۴.



ت ۳: نسخه ام. ک.، ص ۲۲۲.



ت ۴: نسخه ام. ک.، ص ۲۲۳.



ت ۵: نسخه ام. ک.، ص ۲۲۵.



ت ۶: نسخه ام. ک.، ص ۲۲۷.